

# مهاجرت در دبی پایان شهر وندان افغانستان

علی قادری

## سرمقاله اصلاحات انتخاباتی امیدها و نگرانی ها

حفیظ الله زکی

با گذشت چهار ماه از تشکیل حکومت وحدت ملی، مشکلات و نارسایی های سیاسی و اجتماعی نه تنها حل نگردیده که هر روز بر شدت آن افزوده می شود.

اگر دبروز مشکل مردم تنها مسأله انتخابات بود؛ امروز مسایل اساسی چون امنیت، بیکاری، نابسامانی های اجتماعی و سیاسی، اختلافات درون حکومتی و رقابت های ناسالم میان زمامداران، خشکسالی و جالش ها و مشکلاتی که مهاجرین افغانستان بخصوص در کشورهای پاکستان و ایران به آنها مواجه می باشند، به نگرانی های عده اجتماعی تبدیل شده است.

در یکسال گذشته مردم افغانستان بهای گزافی بابت انتخابات ریاست جمهوری پرداخته اند و اکنون این نگرانی وجود دارد که پهران ها و رسوایی های انتخابات گذشته بار دیگر در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی آینده تکرار نشود. بزرگترین اشکال در نهادهای انتخاباتی این است که این نهادها در برگزاری یک انتخابات موفق، شفاف و عادلانه ناکام بوده اند و از این رو این نهادها اعتماد خود را نزد مردم افغانستان از دست داده اند. زمانی که نهادهای انتخاباتی که مسؤولیت برگزاری و پیشبرد انتخابات را به عهده دارند، از اعتماد لازم در نزد مردم برخوردار نباشند، نمی توان انتظار برگزاری انتخابات سالم و بدون درد سر را داشت.

مردم افغانستان در حال حاضر با هزاران مشکل بزرگ سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند و وظیفه دولت است تا در شرایط فعلی اولاً: آرامش فیزیکی و روانی شهروندان را تأمین نماید و ثانیاً: زمینه های کار، شغل، تحصیل و مشارکت عادلانه سیاسی را برای آنان فراهم سازد. مردم بیشتر از همه چیز امروز نیاز دارند تا زنده بمانند و ما محتاج مادی خود و خانواده های شان را از طریق کار و شغل مناسب و مورد اطمینان تأمین نمایان؛ اما متأسفانه مسایل سیاسی در نزد نخبگان جامعه ما چنان برجسته گردیده که تمام موضوعات مهم و اساسی دیگر را تحت الشعاع قرار داده است.

انتخابات پی هم ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی و ولسوالی، در کشوری که بودجه ملی آن به کمک های بین المللی وابسته است و تأمین امنیت، اکتشاف اقتصادی و پیشبرد روندهای سیاسی بدون کمک های خارجی امکان پذیر نمی باشد، کاری بی نهایت دشوار می باشد. در انتخابات همه ساله ملیون ها دالر به مصرف می رسد، هدف آن است که این پروسه راهی را به سوی آینده روشن و امیدبخش باز کند، آینده ای که در آن به جای استبداد شخصی، خاندانی و قومی به اصل دموکراسی، عدالت، قانون مداری احترام گذاشته شود و تبعیض با تمام اشکال و ابعاد آن در کشور دفن گردد و تمام شهروندان این سرزمین بدون امتیاز خاصی به گونه برابر در راستای پیشرفت و ترقی کشور تلاش نمایند. ولی متأسفانه انتخابات با ما همه دشواری ها و هزینه های خودش، نه تنها به نهادهای سازی فرهنگ دموکراسی در کشور منجر نمی شود و ریشه های سست و ناتوان عدالت و برابری را تقویت نمی کند، که خود زمینه های مناسبی را برای طرح ایده های تنگ نظرانه قومی، سمیتی، زبانی، مذهبی و جنسیتی فراهم می سازد. باتوجه به تاریخ گذشته مردم افغانستان و حساسیت های منفی که میان برخی کتله های اجتماعی وجود داشت، طرح موضوعات قوم محور بیشتر در جلب و جذب آرای مردم تأثیر گذار می باشد. اگر روندهای ملی را از سالهای ۲۰۰۱ به بعد مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که در شرایط فعلی رویکردهای قوم محور به مراتب بیشتر از گذشته پروسه های مهم سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد.

با چنین وضعیتی شهروندان واقعا نمی دانند که وقتی از اصلاحات انتخاباتی سخن می گوئیم، منظور چیست؟ باور هم ندارند که اصلاحات بتواند، مشکلات فراروی انتخابات آینده را حل سازد. چرا که مشکل افغانستان تنها به سیستم و ساختار نهادهای دولتی محدود نمی شود. بزرگترین مشکل مردم افغانستان مشکل فرهنگی است. این مشکل ناعمق باورها و اخلاقیات این مردم رسوخ کرده است. ناهنجاری های اخلاقی و اعتقادی رفتار مردم را از مسیر اصلی دور نگه داشته و به سمت و سوی خاص هدایت می کند. بنابراین تا زمانی که این فرهنگ تیره کننده و منحط در افغانستان حاکم باشد، تغییر در نهادهای نمی تواند راهگشا و امید آفرین باشد.



با این حال، ادامه این وضعیت خطرات جدی زندگی همگانی را تهدید می کند. بازگشت مهاجرین به شکل دسته جمعی، عدم آمادگی حکومت، وضعیت بد کار و بار و زمستان سرد باعث می شود که بازگشت کنندگان برای زنده ماندن و برآوردن نیاز های اولیه خود دست به هر کار ممکن بزنند. حتی ممکن به گرسنه داعش بپیوندند. یا در بدل پول به گروه های مخالف مسلح دولت بپیوندند. با توجه به اینکه، وزیر عودت و مهاجرین رأی اعتماد از مجلس نمایندگان دریافت نموده است و بر کرسی وزارت نشسته است. بر او لازم است که برنامه های خود را به زودترین وقت ممکن عملی سازد تا بهبودی در وضعیت مهاجرین صورت گیرد.

قابل فهم است. همین زد و بند ها، منجر به رکود اقتصادی، افزایش انحرافات اجتماعی شد. اکنون نیز، رفتار های نخبگان سیاسی بیش از آن که معطوف به بهبود وضعیت زندگی همگان باشد، معطوف به پیشینه کردن قدرت خود و حاشیه راندن رقیب است. در نهایت، این تنش ها منجر می گردد که هیچ برنامه و سیاست مدون ملی برای بازگشت مهاجرین و بهبود وضعیت آن ها در کشور های مقصد صورت نگیرد. مثلا در کشور پاکستان که تعداد مهاجر از قوم پشتون زیاد است، هیچ سیاستمدار تاجیک، هزاره و ازبیک را وادار نمی نماید که راهکار ها و برنامه های برای بهبود زندگی آن ها ارائه نماید. همین طور، هیچ سیاستمدار پشتون حاضر به بهبود مهاجرین در ایران نیست. همه این ها ریشه در تنش ها و شکاف ها تعارض های قومی، مذهبی دارد.

مهاجرت دسته جمعی، خانوادگی و فردی شهروندان افغانستان. دولت مدون بر مبنای شکاف های اجتماعی شکل گرفت. پادشاهان افغانستان با سرکوب گروه های اجتماعی و تعیین مرز های ملی در صدد آن بر آمدند تا قدرت سیاسی را به دست بگیرد. دولت برای این کار، همکاری یکی از گروه های اجتماعی را نیاز داشتند. تا با نیروی انسانی یک گروه اجتماعی و امکانات دولتی بتواند گروه های دیگر را که در برابر حاکمیت حکومت ایستادگی می کرد، سرکوب نماید. این مهم صورت گرفت. دولت با امکانات که در اختیار داشت و استفاده ابزاری که از یک گروه اجتماعی کرد، توانست به فجع ترین وجه ممکن مخالفان را سرکوب نماید. اما مسئله به همین جا، خاتمه نیافت. عده ای مهاجر شدند و اما امکان مهاجرت همه مخالفین ممکن نبود.

پاکستان اما، هیچ واکنش از سوی وزارت فرست است. مهاجرین افغانستانی در اکثر کشور های که وضعیت بهتر از افغانستان دارد، وجود دارد. از آمریکا گرفته تا کشور های قاره سبز، از استرالیا تا کشور های قاره سیاه. جدا از توهین و تحقیر های که مهاجرین افغانستانی تحمل می کنند روند مهاجرین رو به افزایش بوده است. تجربه مهاجرت دسته جمعی از اواخر قرن نوزدهم در افغانستان آغاز شده است. زمانی که پادشاهان افغانستان در صدد تکوین دولت مدون ملی در آمدند. از آن زمان تا کنون، مهاجرت شهروندان افغانستان نه تنها کاهش نیافته است بلکه سیر صعودی داشته است. با وجود این، دولت هیچ گاه برنامه منسجم و مدون ملی برای بهبود وضعیت مهاجرین در کشور مقصد و زمینه بازگشت آن ها نداشته است.

بیش از یک دهه از عمر حکومت جدید گذشت اما، هیچ کاری برای مهاجرین صورت نگرفت. سالانه هزاران کودک افغانستانی به کشور های مختلف می رود و کشور مقصد مورد آزار و اذیت قرار می گیرد ولی این رویداد ها احساس هیچ نخبه سیاسی را در چرخه دار نمی سازد. در تازه ترین مورد، گزارش از سازمان بین المللی مهاجرت در مورد بازگشت مهاجرین از پاکستان منتشر شده است که فاجعه آمیز می نماید. در گزارش آمده است که تنها در ماه جنوری سال ۲۰۱۵ میلادی در حدود ۲۴ هزار مهاجر افغانستانی از پاکستان بازگشت نموده است. در این گزارش آمده است که روند بازگشت مهاجرین رو به افزایش است. از این میان، ۱۵۰۰ نفر به زور توسط پلیس پاکستان اخراج شده اند. بازگشت در حالی صورت می گیرد که وضعیت افغانستان بدتر از سال های گذشته شده است.

تصور رکود اقتصادی، و خاصیت امنیتی، انحرافات اجتماعی با بازگشت مهاجرین امر دشوار می نماید. اگر در کنار این مسائل، سردی زمستان را در نظر بگیریم وضعیت تا حدودی فاجعه آمیز می نماید. بازگشت بیست و چهار هزار نفر از

## موافقان و مخالفان آموزش نظامیان به پاکستان

عبدالرحمن فهیمی

داشته و از این پس نیز تداوم خواهد داشت، خواسته های اسلام آباد از کابل وایانی ندارد. ممکن است هر از گاهی و با توجه به هر تحول سیاسی که در

اش هرچه تنگ تر خواهد شد و از سوی دیگر، استقلال سیاسی کشور را تهدید می کند. نتیجه گیری

قبلی و برخی از نظامیان بیرون از نهادهای نظامی و امنیتی شکل می دهند. استدلال این طیف عمدتاً بر تئوری توطئه و با رقابت استراتژیک پاکستان و هند استوار است. هند و پاکستان در رقابت سیاسی و حتی شاید کاربرد مہارت رقابت نادرست باشد، خصومت سیاسی به سر می برند. دو کشور، تلاش می کنند شرکای سیاسی در منطقه بیاوند و ساحة نفوذ خود را افزایش و گسترش و ساحة نفوذ رقیب و یا خصم را کاهش دهند.

پس از طرح خوش بینی ها و نگرانی ها، اندک تاملی خواهد کرد. ۱. موافقان برخی ها از فرستادن دانشجویان نظامی کشور به پاکستان، خوش بین بوده و راضی به نظر می رسند. اما به نظر می رسد که این طیف را بیشتر سیاست مداران نزدیک به ارگ و نظامیان موظف در نهادهای نظامی و امنیتی شکل می دهند.

شش نفر از دانشجویان نظامی کشور، جهت آموزش های نظامی بهتر، به پاکستان فرستاده شده اند. قرار است این افراد، در آموزشگاه نظامی در شهر "بیت آباد پاکستان" آموزش ببینند. پاکستان ملی رهم دشواری ها و چالش های مهم در عرصه های اقتصادی و سیاست داخلی، دارای ارتش قدرتمند شده است.



منطقه پدید می آید، فشارهای سیاسی آن کشور بر کابل افزایش یابد. اگر مرتب به نقطه نظر ها و خواسته های آن کشور، توجه شود، در آن صورت، از استقلالیات کشور چیزی باقی نمی ماند و اما اگر توجه نشود، بازمهم همان بازی و همان نا امنی پدید خواهد آمد. از تمامی ابزار های ممکن سودجسته خواهد شد، تا بازمهم کابل را به همکاری وادار کند.

بدون تردید که همکاری نظامی با پاکستان؛ آموزش نظامیان افغانستان در پاکستان و شروع همکاری های نظامی و امنیتی میان دو کشور، روی امنیت به صورت جدی مؤثر واقع خواهد شد.

سرپرست وزارت دفاع ملی، اعزام دانشجویان نظامی را زمینه و بستری جهت آغاز و تعمیق همکاری های مشترک نظامی و سیاسی میان دو کشور، عنوان کرد.

این امر، خوش بینی ها و نگرانی های را در پی داشته است. به مہارت دیگر، موافقان و مخالفانی پیدا کرده است. هر طیف، دلایل خودشان را مطرح می کنند. این نگارش،

### کارتون روز



زمین خواران قدرتمند

بازی و همان نا امنی پدید خواهد آمد. از تمامی ابزار های ممکن سودجسته خواهد شد، تا بازمهم کابل را به همکاری وادار کند. و نزدیک شدن به اسلام آباد و سرد کردن روابط سیاسی با دهللی نو، اقتصاد کشور را آسیب خواهد زد. افغانستان با هند موافقت نامه استراتژیک امضاء کرده است. به همکاری های سیاسی و اقتصادی گسترده متعهد شده و هند نیز به کمک های مالی و سرمایه گذاری در روند بازسازی و نوسازی کشور متعهد شده است. پس، رویکرد که در پیش گرفته شده است، یقیناً همکاری ها و همکاری های اقتصادی دو کشور را متأثر خواهد کرد.

بازگشت مهاجرین به شکل دسته جمعی، عدم آمادگی حکومت، وضعیت بد کار و بار و زمستان سرد باعث می شود که بازگشت کنندگان برای زنده ماندن و برآوردن نیاز های اولیه خود دست به هر کار ممکن بزنند. حتی ممکن به گرسنه داعش بپیوندند. یا در بدل پول به گروه های مخالف مسلح دولت بپیوندند. با توجه به اینکه، وزیر عودت و مهاجرین رأی اعتماد از مجلس نمایندگان دریافت نموده است و بر کرسی وزارت نشسته است. بر او لازم است که برنامه های خود را به زودترین وقت ممکن عملی سازد تا بهبودی در وضعیت مهاجرین صورت گیرد.

بازگشت مهاجرین رو به افزایش بوده است. تجربه مهاجرت دسته جمعی از اواخر قرن نوزدهم در افغانستان آغاز شده است. زمانی که پادشاهان افغانستان در صدد تکوین دولت مدون ملی در آمدند. از آن زمان تا کنون، مهاجرت شهروندان افغانستان نه تنها کاهش نیافته است بلکه سیر صعودی داشته است. با وجود این، دولت هیچ گاه برنامه منسجم و مدون ملی برای بهبود وضعیت مهاجرین در کشور مقصد و زمینه بازگشت آن ها نداشته است.